



در روزگار شتاب‌زدگی‌های گذرای شبکه‌های اجتماعی، در روزگار پرگویی‌های سطحی، کتاب یادآور آهستگی و ژرف‌نگری است، مجال گفت‌وگوهای عمیقی که حتی چندین و چندسال زندگی در کنار مؤلفان کتاب‌ها نیز مجالش را فراهم نمی‌آورد. بزرگ‌داشت کتاب بزرگ‌داشت طمأنینه و شکیبایی‌های بایسته و شایسته است برای شناختن و اندیشیدن. وقتی این جا افتاد خرید مناسبی نمایشگاه، به کتاب خریدن و خواندن در طول سال تبدیل خواهد شد

کتاب پیشگفته‌ی اخیر هم بررسی و ارزیابی‌ای است پرمایه درباره‌ی روش پدیدارشناسانه و دغدغه‌های فکری هوسرل برای فراتر رفتن از نگرش‌های فلسفی شکاکانه و نیز علم‌زدگی‌های خام‌اندیشانه‌ی باب روز، بر بستر تاریخی و در گفت‌وگوی با میراث‌های فکری دکارتی و کانتی و هگلی و در کوشش برای فراتر رفتن از آنها در جهت دستیابی به جوهره اندیشه و روش هوسرل نامعقول است استاد و دانشجویی که در ایران مشغول بازگویی و بازخوانی اندیشه‌های فلسفی هوسرل هستند از آثار هوسرل‌شناسانه و پدیدارشناسی پژوهانه‌ی ایرانی دیگری که در فرانسه با جدیت دلمشغول همان مسائل و موضوعات است بی‌خبر بمانند یا در صورت خبردار شدن دست‌شان از اصل این آثار کوتاه بمانند. می‌دانم که در این موارد هم در حقیقت محدودیت‌ها و واهمه‌های دیگر سبب دوری و جدایی شده است. اما نتیجه‌ی آن محدودیت‌ها و واهمه‌ها را همه تا همین‌جای کار به قدر کافی دیده‌ایم. محروم کردن جامعه از گفت‌وگو با ایرانیان دانشور و اندیشمند خارج از کشور ضررش پیش و بیش از هر کس به خود این جامعه می‌خورد.

بنابراین امیدوارم برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب در آینده تسهیل دو گفت‌وگو را به صورتی هدمند و با برنامه و جدی دنبال و پیگیری کنند: گفت‌وگوی با همه‌ی فارسی‌نویسان چه ایرانی و چه غیرایرانی، و گفت‌وگو با همه‌ی ایرانیانی که به زبان‌های دیگر می‌نویسند. برقراری این گفت‌وگوها در عمیق‌ترین صورت آن هیچ دشواری خاصی ندارد، کافی است تصمیم بگیریم نمایشگاه کتاب تهران محل عرضه‌ی حداکثری کتاب‌های فارسی همه‌ی اقوام و گروه‌ها، و نیز محل حضور ویژه‌ی آثار اندیشمندانه و دانشورانه‌ی غیرفارسی ایرانیان سراسر دنیا باشد.

پانوشته‌ها:

1. Reza Rokoe, En compagnie de Husserl, Réflexions et moments d'une métaphénoménologie, Editions du Cygne, Paris, 2025.
2. Idem, Le rêve et l'éveil dans les écrits de Husserl, L'Harmattan, Paris, 2013.
3. Idem, L'attitude phénoménologique comparée : de Husserl à Avicenne, L'Harmattan, Paris, 2015

ضروری است. اما افزون بر این‌ها من جای خالی دو رویداد فرهنگی را در نمایشگاه کتاب همیشه حس کرده‌ام و بابتش افسوس می‌خورم. **نخست:** اهمیت ویژه دادن به آثار فارسی منتشرشده در جهان. نمایشگاه کتاب تهران باید پایتخت زبان فارسی باشد و بدبختانه هیچ‌گاه نبوده است؛ کتاب‌های ایرانیان خارج از کشور چون مجوز انتشار در ایران نگرفته‌اند به نمایشگاه راه نمی‌یابد، بازار کتاب‌های فارسی اهل قلم افغانستان هم از نمایشگاه کتاب جدا نگه داشته می‌شود؛ پیش از طالبان آن بازار چون نسبت به بازار کتاب ایران محدودیت‌های کمتری داشت مطلوب مسئولان نبود و اکنون که با حکومت طالبان آن بازار یکسره محدودیت شده است آثار نویسندگان افغانستانی در تبعید مطلوب برخی نیست. آثار فارسی‌زبانان تاجیکستان هم به سبب تمایز خط از بازار ایران جدا مانده است در حالی که اگر اراده‌ای برای گفت‌وگو وجود داشته باشد خط مانعی نیست و پیشاپیش می‌شود حدس زد پیامد این داد و ستد رواج خط سیریلیک در ایران خواهد بود یا رواج خط نیکانی در تاجیکستان. در واقع ما در هر نمایشگاه فرصت بزرگی را برای گستردن دامنه‌ی زبان فارسی در قالب کتاب به سبب تنگ‌نظری‌های غیرفرهنگی و ترس‌های بی‌پایه از دست می‌دهیم؛ فرصتی که هر ساله می‌تواند نوروژ کتاب‌نویسی فارسی/دری/تاجیکی باشد.

دوم: امکان روبه‌رو شدن با کتاب‌های غیرفارسی ایرانیان. زبان فارسی زبان ارتباطی اقوام گوناگون در پهنه‌ای به گسترده‌ی آناتولی تا دهلای بوده است. اما فارسی‌زبانان هیچ‌گاه از نوشتن به دیگر زبان‌ها گریزان نبوده‌اند. اگر روزگاری در کنار فارسی به عربی می‌نوشتند امروزه در کنار فارسی بیشتر به زبان‌های اروپایی می‌نویسند. این مشارکت به حدی است که دیگر نمی‌شود تاریخ اندیشه‌ورزی ایرانیان را بدون در نظر داشتن آثار آن‌ها به دیگر زبان‌ها نوشت، حتی در حوزه‌هایی کاملاً تخصصی. بگذارید یک مثال بزنم. اخیراً کتاب جدیدی از فیلسوف ایرانی مقیم فرانسه رضا رکویی به دستم رسید. کتابی که عنوانش را با تسامح می‌شود ترجمه کرد به «در همراهی هوسرل، بازاندیشی‌هایی برای یک فراییدارشناسی»^(۱). صرف نظر از آثاری که این نویسنده درباره‌ی ایران نوشته است، او تا به حال سه تک‌نگاری درباره‌ی پدیدارشناسی هوسرل پدید آورده است.

کتاب نخستش درباره‌ی رؤیا و خیال و خواب و بیداری بر پایه‌ی پدیدارشناسی ادوموند هوسرل بوده است^(۲) و کتاب دومش در سنجش فلسفه‌ی ابن‌سینا و مفاهیمی مانند قصد و هیولا (هیولی) و ادراک و منطق و عالم و وجدان و وقوف با نگرش پدیدارشناختی هوسرل^(۳).



از کتاب‌های چاپ‌شده در ایران و حتی تهیه‌ی آن‌ها با تخفیف نیازی نیست از جای‌مان حرکت نکنیم. آن‌قدر فروشگاه آنلاین کتاب با انواع تخفیف‌ها و خدمات وجود دارد که لازم نباشد کسی برای صرف خبردار شدن و خریدن کتاب به نمایشگاه برود.

در مورد کتاب‌های خارجی هم دو مشکل سال‌هاست آن‌ها را از رونق انداخته است، کاهش روزافزون ارزش پول از سویی و انواع محدودیت‌ها و تحریم‌ها از سوی دیگر سبب شده است بازاری برای تهیه‌ی کتاب‌های خارجی کاملاً منفک از بازار جهانی در ایران رونق داشته باشد، بازار پی‌دی‌اف‌خوانی‌های غیرقانونی و از آن جالب‌تر حتی بازار نسخه‌های کاغذی تهیه‌شده از روی آن پی‌دی‌اف‌ها باز بر پایه‌ی قوانین بین‌المللی کاملاً غیرقانونی. هر وقت بخشی از نظام جهانی شدیم لابد این مسائل حل خواهد شد. از چشم‌انداز من در این یادداشت عجالتاً مهم این است که کنجکاوی و علاقه‌ی به گفت‌وگو در این‌سو به‌رغم همه‌ی مشکلات اقتصادی و فروبستگی‌ها آنقدر بوده که بازار محلی غیررسمی‌ای در آن، جدای از بازار جهانی، برای کتاب‌های خارجی هم پدید آمده باشد.

در چنین فضایی رفته‌رفته تعریف و کارکردهای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شاید لازم باشد تغییر کند. نخست اینکه نمایشگاه بیش از آنکه فروشگاه باشد و محلی برای خرید، مناسبی فرهنگی باشد برای یادآوری هر ساله‌ی اهمیت کتاب و جایگزین نداشتن آن. در روزگار شتاب‌زدگی‌های گذرای شبکه‌های اجتماعی، در روزگار پرگویی‌های سطحی، کتاب یادآور آهستگی و ژرف‌نگری است، مجال گفت‌وگوهای عمیقی که حتی چندین و چندسال زندگی در کنار مؤلفان کتاب‌ها نیز- چنانکه در آغاز این یادداشت آوردم- مجالش را فراهم نمی‌آورد. بزرگ‌داشت کتاب بزرگ‌داشت طمأنینه و شکیبایی‌های بایسته و شایسته است برای شناختن و اندیشیدن. وقتی این جا افتاد خرید مناسبی نمایشگاه، به کتاب خریدن و خواندن در طول سال تبدیل خواهد شد.

دیگر اینکه نمایشگاه بین‌المللی کتاب باید عرصه‌ای باشد فراخ و تسهیل‌کننده برای آشنایی‌ها و در پی آن گفت‌وگوهای بیشتر.

● جای خالی دو رویداد

بگذارید برای روشن شدن منظوم دو نمونه ذکر کنم. در نمایشگاه کتاب تهران همواره تا حدی مشارکت برخی کشورهای اسلامی را می‌شد دید که به جای خود بسیار ارزنده است. در نمایشگاه امسال در بخش ترکیه نشر «معنا» از استانبول که ناشر ترجمه‌ی ترکی برخی نوشته‌های خود من هم هست حضور دارد. طبیعتاً این نوع مراودات (که البته متأسفانه محدود و موردی مانده و گسترده و برنامه‌ریزی‌شده نیست)